

باشد، ملزم و مکلف است که خسارتهای وارد آمده به کشور دیگر را که عمل مزبور بر ضدش ارتکاب شده جبران نماید و تعریفی حقوقی و مدنی است بر تفسیری از مسئولیت با این مضمون ارجاع می دهد که مسئولیتهای فراملی دولت اسلامی عبارت است از تعهدها و وظایف برون مرزی دولت اسلامی نسبت به مسلمانان، مستضعفین و دیگر دول حقوقی که در عین کلی بودن از مفاهیم و واژگان حقوقی فاصله دارد و در حد تعاریف مانیفیستی و سیاسی تقلیل می یابد. با وجود موارد فوق خدمت، تلاش و اهتمام نویسنده در عرصه پژوهش بر صاحب نظران پوشیده نخواهد ماند و امید است که سرآغاز بحثهای جدی، دقیق و علمی در حوزه مباحث مذکور باشد.



از مقاومت تا پیروزی

مسعود اسداللهی

تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اندیشه سازان
نور، ۱۳۷۹، ۲۶۰ صفحه.

عباس نجفی فیروزجایی

پژوهشگر مرکز تحقیقات استراتژیک

هدف نویسنده همان طور که در عنوان کتاب هم بدان اشاره نموده است، بیان تاریخچه حزب الله لبنان از سال ۱۳۶۱ تا سال ۱۳۷۹ شمسی است. مؤلف کتاب خود را به امام خمینی، شهدای مقاومت اسلامی لبنان و سیدحسن نصرالله تقدیم نموده است. کتاب مزبور که نام کامل آن «از مقاومت تا پیروزی - تاریخچه حزب الله لبنان ۱۳۶۱-۱۳۷۹ هـ.م. باشد، در ۲۶۰ صفحه شامل یک مقدمه، سه فصل، نتیجه گیری، ضمائم و درنهایت منابع و مأخذ تنظیم گردیده است.

فصل اول با عنوان «شیعیان لبنان»

نخست به بیان پیشینه تاریخی و اجتماعی شیعیان لبنان می پردازد. شیعیان لبنان نسب خود را به قبیله «عامله» و جزء قدیمی ترین طوایف شیعه می دانند و تأسیس

تشیع لبنان را به ابوذر غفاری، صحابی پیامبر- که به لبنان تبعید گردید- نسبت می دهند. شیعیان علاوه بر جبل عامل در جنوب لبنان، در شمال استان بقاع و سایر نقاط لبنان نیز سکونت دارند. در قرون اولیه اسلامی اکثریت ساکنان لبنان شیعه بوده اند، اما پس از استقرار ایوبیان و سپس سلطه ممالیک که با شیعیان دشمنی داشته اند، فشارها بر شیعیان افزایش یافت و آنان به مناطق دورافتاده پناه برده و یا پراکنده شده اند و به تدریج به صورت یک اقلیت مذهبی درآمدند. پس از سلطه امپراتوری عثمانی بر لبنان نیز فشارها بر شیعیان افزایش یافت و حتی برخی به ناچار تغییر دین دادند و باقیمانده آنان به صورت تقیه زندگی می کرده اند. به همین دلایل شیعیان همواره از صحنه سیاسی لبنان به دور بوده اند. این امر در قرن نوزدهم میلادی شدت یافت؛ زیرا در این زمان مارونی ها با فرانسه، دروزی ها با انگلیس، ارتدوکس ها با روسیه و اهل سنت با عثمانی رابطه داشتند و تنها شیعیان از حمایت بیگانگان بهره نداشتند. در نیمه دوم قرن ۱۹ پیدایش تیولداران شیعی در لبنان سبب

تغییر وضعیت شیعیان گردید و حضور علمای شیعی و طبقه دهقانان روستایی سبب شد سه طبقه میان شیعیان قابل تشخیص باشد. همچنین حاشیه نشینی شیعیان در لبنان سبب عقب ماندگی آنان گردید.

دومین بحث فصل اول به تشریح قیمومیت فرانسه بر لبنان پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی می پردازد که از ۱۹۲۰ تا ۱۹۴۳ ادامه یافت. شیعیان ابتدا خواستار تشکیل سوریه بزرگ و فدرال و ادغام لبنان در آن بودند تا از حقوق بهتری برخوردار گردند، اما زمانی که فرانسه با هدف بازداشتن شیعیان از پیوستن به قیام دروزی ها که به تحریک انگلیسی ها علیه فرانسه می جنگیدند، مذهب جعفری را یکی از مذاهب رسمی لبنان اعلام کرد شیعیان خواستار استقلال لبنان شدند؛ زیرا در چنین کشوری به رسمیت شناخته می شدند و می توانستند به حقوق سیاسی خود دست یابند. در این راستا شیعیان در سهمیه بندی نمایندگی سیاسی در میان سایر طوایف لازم، به برخی حقوق دست یافتند اما باز هم ضعیفتر از سایر طوایف بودند. سومین بحث فصل اول به موضوع

شیعیان در دوران استقلال لبنان می‌پردازد. پس از استقلال لبنان و از قیمومیت فرانسه در سال ۱۹۴۳، دو گروه اصلی سیاسی لبنان مارونی‌ها و اهل سنت بودند و شیعیان و سایر گروه‌ها نقش کمتری در صحنه سیاسی داخلی لبنان ایفا می‌کردند. پست ریاست پارلمان که به طور سنتی به شیعیان تعلق می‌گرفت اسباب کشمکش میان پنج خاندان بزرگ شیعه گردید و این کشمکشها تا پایان جنگ داخلی و انتخابات سال ۱۹۹۲ ادامه داشت. مهاجرت شیعیان از روستاها به شهرهای بزرگ بخصوص بیروت سبب شد تا با مسیحیان و آوارگان فلسطینی در تماس مستقیم قرار گیرند و از انزوا خارج گردند. در جنگ داخلی ۱۹۵۳ لبنان که میان مارونی‌های طرفدار غرب و مسلمانان که خواهان عربی شدن لبنان بودند در گرفت، شیعیان موضع گیری نکردند.

نویسنده در قسمت چهارم فصل اول به حکومت ژنرال قواد شهاب و ظهور امام موسی اشاره می‌کند. شهاب تلاش داشت تا دولتی قدرتمند را پس از جنگهای داخلی ایجاد کند و لبنان را از حالت ملوک الطوائفی خارج سازد و به آن جنبه دموکراتیک ببخشد.

بنابراین، شیعیان مورد توجه قرار گرفتند؛ زیرا اولاً شیعیان تاکنون مورد بی‌مهری قرار گرفته بودند و ثانیاً در جنگهای داخلی بی طرف باقی مانده بودند. لذا به عمران مناطق دور افتاده و فقیر شیعه توجه بیشتری مبذول داشت و بیروت نیز از مناطق شیعه نشین گردید. در همین دوران در سوریه رژیم ناسیونال سوسیالیست بعثی بر سر کار آمد. در لبنان نیز گروههای چپ‌گرا شامل کمونیست‌ها، بعثی‌ها، سوسیالیست‌ها و ناصریست‌ها به رهبری کمال جنبلاط، رهبر دروزی‌ها، شکل گرفتند که خواهان تغییر وضع موجود لبنان بودند. در پایان ریاست جمهوری شهاب بار دیگر لبنان شاهد جنگ میان مارونی‌ها و فلسطینی‌ها گردید و شیعیان در حاشیه تحولات سیاسی قرار گرفتند. از طرفی شیعیان به سه دلیل نتوانستند به اتحاد با یکدیگر دست یابند:

۱. به دلیل مهاجرت شیعیان روستایی به پایتخت، نقش رهبران سنتی فئودال شیعه که در روستاها باقی مانده بودند کمرنگ شد و شیعیان ریشه کن شده طعمه‌های خوبی برای جریانهای سیاسی در شهرها، بخصوص

چپ گرایان شدند.

۲. جز شیعیان، سایر جریانهای سیاسی لبنان مورد حمایت‌های خارجی قرار داشتند و این سبب ضعف شیعیان بود.

۳. جریانهای فلسطینی و عمدتاً چپ‌گرا که سنی مذهب بودند برای شیعیان مشکلات زیادی ایجاد می‌کردند.

در این زمان که جوانان شیعه تنها نقش سیاهی لشکر را برای احزاب لبنانی ایفا می‌کردند امام موسی صدر وارد صحنه شد و مرحله جدیدی را در تاریخ لبنان رقم زد. وی با تأسیس مجلس اعلای شیعیان لبنان سعی در جذب تمامی تفکرات شیعی داشت. این مجلس جایگاه والایی در لبنان

یافت و کانون فعالیت‌های تشکیلاتی شیعیان واقع شد. امام موسی صدر به رقابت با رهبران سنتی شیعه و جریانهای چپ‌گرا پرداخت و به یک رهبر مردمی تبدیل گردید. وی معتقد بود شیعیان لبنان باید از نظام سیاسی این کشور حمایت نمایند اما این نظام باید سهمیه‌بندی عادلانه پیدا کند و بدین ترتیب با جریانهای چپ که خواهان تغییر وضع موجود بودند مخالفت می‌کرد.

وی همچنین نیاز شیعیان به حمایت خارجی

را احساس کرد و با حافظ اسد متحد شد. وی

همچنین از خط‌مشی دولت لبنان برای برقراری حکومت در سراسر لبنان، تشکیل ارتش ملی، قدرتمند و نهادهای رسمی دولتی حمایت می‌کرد و با تشویق دولت مرکزی، پروژه‌های عمرانی زیادی را در مناطق شیعه‌نشین بخصوص جنوب لبنان راه‌اندازی کرد. وی برای حفاظت از شیعیان در برابر تعرضات فلسطینی‌ها و گروه‌های اهل سنت لبنانی، «حرکت المحرومین» و سپس شاخه نظامی آن یعنی «امل» را تشکیل داد که نخستین سازمان شیعی نظامی مستقل در لبنان بود.

در پنجمین قسمت فصل اول، مؤلف نقش شیعیان در جنگ داخلی لبنان را مورد بررسی قرار می‌دهد و می‌نویسد از آنجا که شیعیان هیچ‌گزینه‌ای بهتر از حکومت لبنان نداشتند، لذا خود را از جنگ‌های داخلی کنار کشیدند و بدین وسیله پس از آنکه سوریه در لبنان نقش اول را پیدا کرد شیعیان به دلیل اتحاد با سوریه و حفظ توان خود به دلیل عدم مشارکت در جنگ‌های داخلی، توانستند بر قدرت خود بیفزایند. اما جنگ‌های داخلی در سال ۱۹۷۶ سبب

از هم گسیختگی نظام عمومی کشور لبنان گردید و شیعیان که قصد حمایت از آن را داشتند، دچار مشکل شدند.

ششمین بحث فصل اول سرنوشت امام موسی صدر و پیروزی انقلاب اسلامی ایران است. پس از آنکه لبنان در اثر جنگهای داخلی تجزیه گردید مناطق شیعه نشین به عرصه تاخت و تاز گروههای مختلف تبدیل شد که مورد ظلم و اجحاف این گروهها قرار می گرفتند. مناطق شیعی جنوب لبنان نیز در تصرف ساف، نیروهای سعد حداد و سپس بمبارانهای اسرائیل قرار گرفت و نهایتاً عملیات لیطانی که اسرائیل با هدف اشغال جنوب لبنان انجام داد بر مصایب این منطقه افزود. امام موسی صدر نیز قادر به انجام کاری نبود. در چنین احوالی دو واقعه مهم سرنوشت شیعیان جنوب لبنان را به شدت تحت تأثیر قرارداد؛ یکی ناپدید شدن امام موسی صدر و دیگری پیروزی انقلاب اسلامی ایران. امام موسی صدر که در شهرریور ۱۳۵۷ برای دیدار از لیبی وارد این کشور گردیده بود هنگام بازگشت به ایتالیا ناپدید شد. لیبی مدعی شد وی از لیبی خارج شد اما شیعیان لبنان مدعی هستند قذافی وی را

ر بوده و زندانی کرده است؛ زیرا قذافی از جناحهای چپ گرای لبنان و فلسطین حمایت می کرد. برخی معتقدند وی توسط عوامل اسرائیل ربوده شده است. این واقعه برای شیعیان لبنان بسیار گران بود. همین امر زمینه درگیریهایی میان جنبش امل و گروههای چپ گرای لبنانی مورد حمایت لیبی را فراهم ساخت. امام موسی صدر به نماد مقاومت شیعیان لبنان تبدیل شد. امام موسی صدر به طور هم زمان رهبری مذهبی و سیاسی لبنان را در اختیار داشت اما با ناپدید شدن وی از آنجا که جانشین جامع الأطرافی موجود نبود این رهبری تقسیم شد. بدین ترتیب شیخ محمد مهدی شمس الدین به عنوان نائب رییس مجلس اعلای شیعیان لبنان و حسین الحسینی رییس پارلمان لبنان به ریاست جنبش امل برگزیده شدند. از طرفی گروههای مذهبی تر شیعه نظیر حزب الدعوة که با ورود شخصیتهای لائیک به جنبش امل مخالف بودند عمده‌تأ حول آیه الله سید محمد حسین فضل الله حلقه زدند. در همین شرایط انقلاب اسلامی ایران به پیروزی رسید. این جنبش مردمی شیعی

تأثیر زیادی بر شیعیان لبنان برجای گذاشت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیروهای داوطلب ایرانی برای حمایت از شیعیان محروم لبنان اعزام شدند و همین امر گرایشهای انقلابی و اسلام‌گرایی را میان شیعیان به شدت تقویت کرد.

هفتمین بحث فصل اول انتخاب نبیه بری به رهبری امل است که نشانگر دو نوع تحول در امل بود، اولاً امل به یک سازمان سیاسی دارای شاخه نظامی تبدیل گردید و ثانیاً نشان داد که با قرار گرفتن در ساختار قدرت و رهبری شیعیان لبنان از حالت سنتی خانواده‌های اشراف شیعه خارج شده است، زیرا وی به هیچ یک از خاندانهای قدرتمند شیعه تعلق نداشت و فقط با طی مراتب سازمانی تا رهبری آن بالا آمد. توجه امل در این شرایط عمدتاً به فعالیتهای ایدئولوژیک و نیز حمایت از مناطق شیعه جنوب در مقابل فلسطینی‌ها که می‌خواستند در آنجا یک کشور کوچک فلسطینی به پا کنند معطوف بود. بنابراین، شیعیان لبنان در این شرایط با مارونی‌ها و اسرائیلی‌ها که خواهان خروج ساف از جنوب لبنان بودند، هم عقیده بودند. در مورد نوع

رابطه با انقلاب اسلامی ایران میان رهبران شیعه لبنان اختلاف نظر وجود داشت. یک جناح مذهبی خواهان پیروی بی چون و چرا از اندیشه‌های امام خمینی بود. گروه دوم خواهان لبنانی کردن انقلاب اسلامی بود و خود نبیه بری چنین مسئله‌ای را سبب کاهش قدرت خود می‌دانست. در چنین شرایطی تهاجم اسرائیل به جنوب لبنان آغاز شد و از آنجا که در مناطق شیعه نشین جنوب، اسرائیلی‌ها نیروهای سعد حداد را تقویت کردند و به جان شیعیان انداختند، موجبات نارضایتی شیعیان را فراهم کردند و همین امر سبب تقویت جناح رادیکال مذهبی شیعه و پیدایش «جنبش حزب الله لبنان» گردید.

فصل دوم کتاب به چگونگی پیدایش جنبش حزب الله می‌پردازد. هدف اسرائیل از تجاوز نظامی سال ۱۹۸۲ به لبنان، اخراج مبارزان فلسطینی از لبنان و روی کار آوردن یک رییس جمهور طرفدار اسرائیل یعنی بشیر جمیل بود تا بتواند پیمان صلح میان دو کشور را امضا کند. عقب‌نشینی سریع فلسطینی‌ها از مقابل اسرائیل و بی‌تفاوتی جنبش امل سبب شد ارتش اسرائیل ظرف

سه روز به جنوب بیروت برسد. تنها گروه‌های کوچک شیعی طرفدار امام خمینی مقاومت‌های پراکنده‌ای کردند و توانستند اسرائیل را در دروازه‌های جنوب بیروت متوقف نمایند. امل به خاطر تمایل به اخراج فلسطینی‌ها از لبنان در برابر تجاوز اسرائیل سکوت کرد، اما مقاومت گروه‌های شیعی سبب تلفات سنگین اسرائیل گردید که موجب نارضایتی جامعه اسرائیل شد. رهبران حزب لیکود که احتمال می‌دادند این نارضایتی به سقوط دولت آنان منجر گردد دست به دامن آمریکا شدند. ریگان یک مسیحی عرب تبار آمریکایی به نام «فیلیپ جیب» را برای مذاکره میان اسرائیل و لبنان اعزام کرد. نتیجه مذاکرات توافق آتش بس و خروج فلسطینی‌ها از لبنان بود. توافقی‌های مذکور موجب نارضایتی مردم لبنان و فروپاشی هیأت مذاکره‌کننده لبنانی که نبیه بری رهبر امل از جمله آنان بود گردید. برخی کادرهای رهبری امل با بری مخالفت کردند و همین امر موجب انشعاب در امل گردید و حسین موسوی (ابوهشام) نایب رییس امل و بسیاری دیگر مواضع بری را خلاف اصول امل و اصول اسلام دانستند.

گروه انشعابی به بقاع در شمال لبنان رفتند و در مرکز آن یعنی شهر بعلبک مستقر شدند و جنبش امل اسلامی را تشکیل دادند. با اشغال جنوب لبنان، اسلام‌گرایان شیعه به بقاع و شهر بعلبک و اسلام‌گرایان سنی به طرابلس پناه بردند.

در نیمه اول خرداد ۱۳۶۱ که کنفرانس نهضت‌های آزادی بخش در تهران تشکیل شده بود و برخی شخصیت‌های لبنانی در آن حضور داشتند تجاوز نظامی اسرائیل به لبنان انجام گردید و آنان خواستار کمک فوری ایران به مردم لبنان گردیدند. ایران هیأتی به سوریه و لبنان اعزام کرد تا چگونگی کمک‌ها را بررسی کند و نهایتاً نیروهای سپاه در میان ناباوری جهانیان وارد دمشق و لبنان گردیدند. علت ناباوری، درگیر بودن ایران در جنگ با عراق بود. مأموریت سپاه ابتدا نبرد رویارو با اسرائیل بود اما با توصیه امام مبنی بر اولویت جنگ با عراق، این مأموریت به آموزش نظامی و عقیدتی نیروهای داوطلب لبنانی تغییر یافت. گسترش اندیشه‌های سیاسی امام خمینی در لبنان، روحیات انقلابی را میان آنان گسترش داد که در رأس آنها شهادت طلبی بود. در همین زمان لزوم

وحدت گروه‌های مختلف شیعی بیش از پیش خودنمایی می‌کرد. بنابراین، با حمایت ایران رهبران گروه‌های مختلف شورای جدیدی به نام «شورای لبنان» را تشکیل دادند. این هسته اولیه متشکل از یک کمیته نه نفره از روحانیون شیعه لبنانی، امل اسلامی، حزب الدعوة لبنان، کمیته‌های یاری انقلاب اسلامی و شخصیت‌های مستقل بود که بر دو اصل «پابندی به ولایت فقیه» و «نبرد با اسرائیل» پی‌ریزی شد. این هسته به صورت گمنام و مخفی فعالیت می‌کرد و جوانان شیعه لبنانی را که پس از اخراج فلسطینی‌ها دچار بحران هویت شده بودند جذب کرد و نام «حزب الله» را برای تشکیلات خود برگزید. حزب الله رویارویی‌هایی را با دولت امین جمیل که قصد تصرف مناطق تحت کنترل حزب الله را داشت انجام داد. با عقب‌نشینی اسرائیل از بیروت، حزب الله در این منطقه نیز مستقر شد. خروج نیروهای فلسطینی از لبنان موجب تضعیف گروه‌های چپ‌گرای سنی در جنوب لبنان و تقویت شیعیان گردید. حضور درازمدت اسرائیل در جنوب لبنان و برنامه‌ریزی اسرائیل برای انضمام جنوب لبنان به اسرائیل، موجب

شکل‌گیری مقاومت اسلامی برضد اسرائیل شد و حرکت نظامی شیعه در قالب «مقاومت اسلامی» شکل گرفت. مبارزات مقاومت اسلامی آنقدر شدید بود که اسرائیل برای نخستین بار در تاریخ خود ناچار به عقب‌نشینی در مقابل اعراب شد و تا کمربند امنیتی جنوب لبنان عقب‌نشست. این عقب‌نشینی سه سال پس از تهاجم یعنی در ۱۹۸۵ شکل گرفت. در اواخر ۱۹۸۴ رهبران مقاومت اسلامی در بیروت گرد آمدند و تشکل خود را از حالت سری خارج کردند و در اطلاعیه‌ای رسمی در ۱۶ فوریه ۱۹۸۵ با صدور یک نامه سرگشاده، هویت، استراتژی و برنامه ایدئولوژیک خود را بیان و تشکیل «حزب الله لبنان» را اعلام نمودند. پیشرفت سریع حزب الله موجب نگرانی سوریه، امل، مارونی‌ها، دروزی‌ها و اهل سنت گردید، اما حزب الله همچنان روبه پیشرفت و قدرت بود. همین مسئله درگیری‌ها و جنگ‌هایی میان حزب الله و هر یک از گروه‌های فوق را به دنبال داشت که بیشترین نبردها میان حزب الله و امل رخ داد. ترورها و جنگ‌های متعدد شاید هزاران کشته و زخمی از طرفین برجای نهاد، اما نهایتاً با میانجیگری دولت‌های

ایران و سوریه خاتمه یافت و به موافقت نامه صلح منجر گردید.

فصل سوم کتاب به موضوع حزب الله پس از پیمان طائف می پردازد. امین جمیل در پایان دوره ریاست جمهوری خود، ژنرال میشل عون فرمانده مسیحی ارتش لبنان را به نخست وزیری برگزید و خود به پاریس رفت. این کار برخلاف منشور ملی لبنان بود که نخست وزیر باید از اهل سنت باشد، بنابراین درگیریهای زیادی به وجود آمد. کمیته سه جانبه عربی متشکل از عربستان، مراکش و الجزایر برای حل مشکل لبنان تشکیل گردید تا در چهار مورد تصمیم گیری کند: اجرای موافقتنامه آتش بس در لبنان طی ۶ ماه، استقرار نیروهای حافظ صلح عربی، توافق در اصلاحات و انتخاب رئیس جمهور جدید. کمیته سه جانبه طرح صلح جدیدی برای لبنان تحت عنوان «منشور آشتی ملی» مطرح کرد و در طرح خود خواستار گردهمایی نمایندگان پارلمان لبنان در شهر طائف عربستان و برخی اقدامات دیگر برای آتش بس شد. نتیجه اجلاس طائف تهیه منشور آشتی ملی و تعدیل قانون اساسی لبنان بود تا به جنگ داخلی

پایان دهد. ایران از اینکه در کنفرانس طائف شرکت داده نشد هم خشمگین و هم نگران آینده حزب الله بود. وضعیت تقسیم قدرت در لبنان بار دیگر به حالت عادی خود بازگشت اما میشل عون همچنان به مخالفت ادامه داد، اما نهایتاً در مقابل ارتش سوریه که مداخله کرد شکست خورد و به فرانسه گریخت و جمهوری دوم لبنان آغاز شد. هم زمان حزب الله کادرهای تشکیلاتی خود را انتخاب می کرد و در اثر توافقی که میان امل و حزب الله با میانجیگری سوریه صورت گرفت، قرار شد تقسیم قدرتی به این شکل صورت گیرد که نیبه بری به ریاست پارلمان انتخاب گردد و حزب الله نهضت مقاومت لبنان را به دست گیرد. بدین ترتیب حزب الله برای مبارزه علیه اسرائیل رسمیت پیدا کرد و با موافقت ارتش لبنان نیز همراه بود و بدین ترتیب حزب الله مقاومت خود را تا اخراج اسرائیل از جنوب لبنان استمرار بخشید.

پس از پایان متن اصلی کتاب، نویسنده سه ضمیمه را تحت عنوان بخش ضمایم به کتاب خویش افزوده است. نخستین ضمیمه نامه سرگشاده حزب الله

لبنان می باشد. نویسنده ابتدا توضیح می دهد که جنبش حزب الله لبنان از بدو تشکیل در سال ۱۳۶۱ تا بهمن ماه ۱۳۶۳ موجودیت خود را اعلام نکرد و به صورت مخفیانه، عملیتهای بسیار بزرگی را علیه صهیونیست ها انجام داد. اما سرانجام در مراسم گرامیداشت نخستین سالگرد شهادت «شیخ راغب حرب» در حسینیه شیخ بیروت، حزب الله با انتشار این نامه سرگشاده ضمن اعلام موجودیت، مواضع و دیدگاههای خود را مطرح کرد که در واقع می توان آن را «مانیفست سیاسی حزب الله» نامید. با توجه به اینکه از آن تاریخ تاکنون، جنبش حزب الله هیچ اثر مکتوب دیگری که بیانگر مواضع این حزب باشد، منتشر نکرده است، لذا این نامه سرگشاده که در یک کتابچه ۴۸ صفحه ای تنظیم شده است، اهمیت زیادی دارد. نویسنده خود متن عربی آن را به فارسی برگردانده و در بخش ضمایم درج کرده است. این نامه که با آیه ای از قرآن آغاز و به شهید راغب حرب و سایر شهیدان لبنان تقدیم می شود، حزب الله را ادامه دهنده راهی می داند که امام خمینی و انقلاب اسلامی ایران پیش از آن بوده اند.

همچنین خود را بخشی تفکیک ناپذیر از بیکره امت واحده اسلامی در سراسر جهان می داند. حزب الله خود را پیرو ولی فقیه و منبع فرهنگ خود را قرآن و سنت معصومین (ع) و فتاوی مرجع تقلید زمان اعلام می کند و قدرت نظامی خود را بی نهایت می داند؛ زیرا در صورت اعلام جهاد تمام افراد به یک مبارز تبدیل می شوند. حزب الله معتقد است تمامی استکبار جهانی به جنگ علیه مسلمین برخاسته و ریشه تمام مصیبتها آمریکا است. نهایتاً رویارویی اجتناب ناپذیر است و اهداف حزب الله عبارت از اخراج نهایی اسرائیل، آمریکا، فرانسه و هم پیمانان آنان از لبنان، محاکمه عادلانه خائنین داخلی و اعطای حق تعیین سرنوشت به ملت لبنان می باشد. مسیحیان مارونی لبنان را از سیاستهایی که سبب تعصبات قومی می شود بر حذر داشته و به وحدت فراخوانده است. حزب الله معتقد به لزوم ریشه کنی و نابودی اسرائیل و ضرورت اتحاد مسلمانان و پیروی علمای اسلام از اندیشه های امام خمینی است.

ضمیمه شماره دو کتاب، متن پیمان طائف است. پیمان معروف به «سند آشتی

ملی لبنان» یا «پیمان طائف» که در ابتدای فصل سوم کتاب درباره آن توضیح داده شد، شامل دو بخش «اصول کلی» و «اصلاحات سیاسی» است. در بخش اول بر این نکات تأکید شده است که لبنان کشوری آزاد، مستقل، دارای هویت عربی، عضو سازمان ملل متحد و غیرمتعهدها، دارای رژیم جمهوری دموکراتیک پارلمانی، تفکیک قوا، نظام اقتصادی آزاد براساس مالکیت شخصی و سرزمینی یکپارچه برای همه لبنانی‌هاست. در بخش اصلاحات سیاسی نیز درباره نحوه انتخاب و حدود اختیارات مجلس نمایندگان، رئیس جمهوری، نخست وزیر و هیأت وزیران، اختیارات هر یک از وزرا و در نهایت در مورد استعفا یا برکناری هیأت دولت اظهار نظر شده است.

ضمیمه شماره سه گاهشمار لبنان است که مهمترین حوادث و وقایع لبنان از ژانویه ۱۹۲۶ (دیماه ۱۳۰۴ شمسی) یعنی رسمیت یافتن مذهب شیعه در لبنان تا ۲۴ مه ۲۰۰۰ (۴ خرداد ۱۳۷۹) یعنی عقب نشینی ارتش اسرائیل از جنوب لبنان قبل از موعد مقرر و فروپاشی ارتش آنتوان لحد را دربرمی گیرد. در این گاهشمار که

۲۷ صفحه از حجم کتاب را دربرمی گیرد فهرست وار به ۱۹۲ واقعه مهم در این فاصله زمانی با ذکر تاریخ اشاره گردیده است. توجه بیشتر مؤلف گردآوری وقایعی بوده است که به نوعی به حزب الله مرتبط و یا به دلیل اهمیت آن واقعه، در تاریخ لبنان تأثیرگذار بوده است.

در پایان کتاب نیز فهرست منابع و مآخذ در پنج بخش منابع فارسی، عربی، انگلیسی، اینترنت و نشریات درج گردیده است. به طور کلی می توان گفت که نویسنده به دلیل حضور در داخل لبنان و برخورد با مسایل از نزدیک، توانسته است مجموعه قابل قبولی از اطلاعات و تحلیلها را گردآوری و ارائه نماید. اقدام نویسنده در تألیف این کتاب از دو جهت حایز اهمیت است که در واقع همین دو جهت، انگیزه نگارنده برای نوشتن کتاب نیز بوده است: اول آنکه در مورد تاریخچه و عملکرد جنبش حزب الله و مقاومت لبنان، تاکنون هیچ اثر مکتوب قابل توجهی در ایران منتشر نگردیده است. دوم کتابها و مقاله های بسیار زیادی در کشورهای غربی و رژیم صهیونیستی منتشر گردیده است که در آنها

ضمن تلاش برای شناخت دقیق این گروه سعی فراوانی به خرج داده شد تا حزب الله لبنان به عنوان یک گروه تروریست به افکار عمومی جهان معرفی گردد. این کتاب یک اثر توصیفی-تحلیلی و در واقع بیان تاریخچه ای از پیدایش و رشد این جنبش در فاصله زمانی مورد نظر است و نگارنده به دلیل عدم دسترسی به منابع و اسناد فارسی، عمدتاً از منابع عربی- که در لبنان جمع آوری نموده است- و منابع انگلیسی- که از طریق نشریات انگلیسی زبان و یا شبکه اینترنت به دست آمده- استفاده کرده است.

این کتاب در عین داشتن امتیازات برشمرده شده، برخی ایرادات و کاستیها را دربردارد. برخی از ایرادات وارده این است که استفاده مؤلف عمدتاً از منابع انگلیسی و اینترنتی است که از اعتبار برخی تحلیلها کاسته است، ضمن آنکه دیدگاه جانبدارانه مؤلف نسبت به جنبش حزب الله در سراسر کتاب کاملاً مشهود است. مؤلف در بیان رقابتهای گروههای شیعی نیز سعی کرده است نقش مبارزاتی سایر گروهها علیه اسرائیل را کمرنگ نشان دهد به طوری که به

عنوان مثال، نقش جنبش امل حتی تا سطح یک گروه صرفاً سیاسی و جویای قدرت فرو کاسته شده است. دیدگاهی که نسبت به چریکهای فلسطینی مستقر در لبنان تا قبل از تجاوز اسرائیل در ۱۹۸۲ ارایه می نماید کاملاً منفی و واگرایانه است. در برخی موارد که نیاز به توضیحات مفصلتری بوده مطلب به شکل کلی بیان گردید، اما در برخی موارد غیرلازم، حتی جزئیات درگیرها توضیح داده شده است. نهایتاً اینکه مؤلف اشاره ای به مبارزات سایر گروههای لبنانی علیه اسرائیل همچون دروزی ها و اهل سنت و مارونی ها نکرده است. همچنین به زمینه ها و دلایل شکل گیری ارتش جنوب لبنان (سعد حداد و آنتوان لحد) اشاره نشده است.

اما کاستیهایی که در کتاب به چشم می خورد جای خالی بحثهای زیر است: درباره پیشینه تاریخی شیعیان لبنان و دلایل جامعه شناختی و روان شناختی پذیرش مذهب تشیع در منطقه جبل عامل لبنان، عدم تشریح دلایل اعتقادی مبارزات شیعیان لبنان علیه اسرائیل، نامشخص بودن مکانیزم، میزان و دلایل روابط سوریه و ایران با حزب الله، بحث آینده لبنان و خطراتی که

پزشکی ارایه می نماید و برخی موارد دیگر که مناسب است مؤلف محترم با مدنظر قرار دادن این موارد بر غنای کتاب سودمند خویش هر چه بیشتر بیفزاید.



مجدداً و همواره از ناحیه رژیم صهیونیستی این کشور را تهدید می کند، آینده حزب الله و اینکه سازمان نظامی خود را چرا و چگونه حفظ خواهد کرد و یا محدوده فعالیت‌های سیاسی اش چگونه تعریف می شود، عدم تشریح دلایل پیوستن پرشور و شوق جوانان لبنانی به حزب الله و عدم تشریح مبانی ایدئولوژیک، جامعه‌شناختی سیاسی و فرهنگی این پدیده، روابط حزب الله با دولت کنونی لبنان و جایگاه آن در ساختار سیاسی این کشور و اینکه آیا حزب الله می تواند موقعیت و محبوبیتی را که در پی فرار اسرائیل به دست آورد حفظ کند، آینده تعاملات دو جناح عمده شیعی لبنان یعنی حزب الله و امل، مسئله سیاست جدید جهانی آمریکا تحت عنوان مبارزه با تروریسم و قرار دادن نام حزب الله در فهرست گروه‌های تروریستی، تأثیر فرایند صلح خاورمیانه بخصوص پیوستن سوریه به گفتگوهای صلح بر عرصه داخلی لبنان و بر حزب الله، میزان قدرت کنونی حزب الله و چگونگی تأمین هزینه‌ها، امکانات و نیز خدماتی که در ابعاد رفاهی، فرهنگی، آموزشی، رسانه‌ای، سیاسی، مذهبی و